

# رقابت بر سر کاهش قیمت

مهندس محمد مهدی راسخ  
دبیر کل اتاق تهران



توسعه صادرات غیرنفتی حرکت کنند و بتوانند بازارهای بیشتری را تسخیر کنند. این در حالی است که در اقتصاد جهانی کسی برنده خواهد بود که با ارائه کالاهای مناسب از لحاظ قیمت، کیفیت و خدمات بتواند بهتر رقابت کند.

البته نهضت کاهش قیمت تمام‌شده در صورت شناسایی مسائل و مشکلات کلان اقتصادی و برنامه‌ریزی برای حل آنها شکل می‌گیرد که این مسئله در نهایت باعث خواهد شد بنگاه‌های تولیدی با شرایط بهتری اقدام به تولید کنند، اما این بدان معنا نیست که بنگاه‌ها نباید برای پیشرفت خود حرکتی داشته باشند. مسئله مهم شکل‌گیری فضای رقابتی در اقتصاد کشور برای کاهش قیمت تمام‌شده کالاهاست، چرا که بازار رقابتی بسیار سختی در دنیا وجود دارد و تا زمانی که اقتصاد دولتی باشد و به سمت رقابتی شدن میل نکند، به طور طبیعی نمی‌توان انتظار قیمت تمام‌شده پایین‌تری را داشته باشیم چرا که قیمت پایین‌تر فقط در فضای رقابتی به دست می‌آید و هر قدر فضا رقابتی‌تر باشد، کیفیت بالاتر می‌رود و قیمت تمام‌شده کاهش می‌یابد.

از منظر دیگر، توسعه بخش خصوصی، ثبات اقتصاد کلان، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، رقابت توسعه فن‌آوری و آموزش، فضای کسب‌وکار مناسب و بالاخص محیط رقابت‌پذیری از جمله موضوعات مهم و تأثیرگذار در کاهش قیمت تمام‌شده است که بدون داشتن چنین شاخص‌هایی در اقتصاد ایران نمی‌توان شاهد کاهش قیمت‌ها در کشور باشیم. به همین دلیل مطالعه مفاهیم رقابت‌پذیری و تحلیل روند شاخص‌های رقابت‌پذیری اقتصاد و ارتباط آن با موضوع قیمت تمام‌شده و نیز عوامل مؤثر بر رقابت‌پذیری و قیمت تمام‌شده در سطح اقتصاد خرد و کلان کشور از جمله الزاماتی است که باید از سوی مسئولان مربوطه انجام گیرد.

هم‌اکنون مطالعاتی در اتاق تهران با محوریت رقابت‌پذیری در اقتصاد و تأثیر آن بر قیمت تمام‌شده و نیز عوامل رقابت‌پذیری در اقتصاد خرد و کلان در حال انجام است که هدف اصلی از این مطالعات بررسی نقش دولت و بنگاه‌ها در ارتقای رقابت‌پذیری و کاهش قیمت تمام‌شده است. نتایج این بررسی‌ها به ما کمک خواهد کرد در یابیم به چه شکل می‌توان قیمت تمام‌شده را در کشور کاهش داد.

نکته مهم دیگر به نقش دولت برمی‌گردد، به طبع بیشترین نقش دولت، در قالب تغییرات در سیاست‌های کلان اقتصادی و قوانین و مقررات است، چرا که با حل مشکلات حوزه کلان اقتصاد کشور می‌توان آثار و نتایج بهتری را در راستای کاهش قیمت تمام‌شده به دست آورد. البته به‌کارگیری تکنولوژی روز، استفاده از نیروهای متخصص و کارآمد، افزایش بهره‌وری و کاهش ضایعات از جمله مواردی است که باید درون بنگاه‌ها اتفاق افتد.

از زوایه کلان‌نگر، زمانی که طرح نهضت کاهش قیمت تمام‌شده کالاها مشکل اصلی اقتصاد کشور را در نبود فضای رقابتی و اقتصاد دولتی و رفتن به سمت اجرای صحیح و اصولی اصل ۴۴ قانون اساسی بدانند می‌توان به آینده این طرح امیدوار بود. به همین

واقعیت را نباید کتمان کرد که بالا بودن قیمت تمام‌شده بسیاری از کالاها و خدمات ایرانی در مقایسه با دیگر کشورها مشکلاتی را برای بنگاه‌های تولیدی، هم در بازارهای داخلی و هم بازارهای بین‌المللی ایجاد کرده است که در این راستا به‌کارگیری راهکارهای ارائه شده در طرح نهضت ملی کاهش قیمت‌ها در واحدهای تولیدی الزامی است. به نظر، کاهش قیمت تمام‌شده امری ضروری است، چرا که بسیاری از کالاهای وارداتی با وجود داشتن هزینه و تعرفه‌های بالا، همچنان از لحاظ قیمت و کیفیت نسبت به کالاهای تولید داخلی، برای مصرف‌کننده داخلی مطلوب‌ترند و بنگاه‌های تولیدی بناچار باید با پایین آوردن قیمت تمام‌شده کالاهای خود به سمت



دلیل اجرای صحیح و اصولی طرح هدفمند کردن یارانه‌ها در نهایت به نفع صنعت و تولید کشور خواهد بود و اگر افزایش قیمت حامل‌های انرژی به صورت منطقی و بر اساس کارشناسی شده صورت گیرد، در بلندمدت موجب افزایش کیفیت، افزایش بهره‌وری و استفاده از تکنولوژی روز و مدرن خواهد شد که نه تنها در کاهش قیمت تمام‌شده کالاها تأثیرگذار است بلکه در نهایت به نفع اقتصاد کشور خواهد بود که تمامی این مسائل منوط به این است که این قانون به نحو صحیح و شایسته اجرایی شود.

یکی دیگر از دشواری‌های افزایش دهنده قیمت تمام‌شده کالاها به نظام سنتی حاکم بر توزیع کشور، بویژه در مورد محصولات کشاورزی و اقلام خوراکی برمی‌گردد و تفاوت فاحش قیمت کالاها میان تولیدکننده و مصرف‌کننده حاکمی از یک نظام توزیع غیرکارآمد در کشور است که امروزه با وجود قوانین و نظامات تعریف شده و کاربردی در دنیا، برای اصلاح نظام توزیع راهی نیست، جز اینکه سازمان‌های مشخصی برای پخش کالا ایجاد شود تا توزیع محصولات و کالاها با حداقل قیمت به دست مصرف‌کننده برسد.

نکته آخری که می‌خواهم به آن اشاره کنم، مسئله قاچاق کالا به عنوان مهم‌ترین عامل مخرب در اقتصاد کشور است چرا که حجم گسترده کالای قاچاق در سطح کشور نشان می‌دهد متأسفانه با این پدیده تا کنون به صورت جدی و منطقی برخورد نشده است. در برخورد منطقی با کالای قاچاق باید توجه کرد کالاهایی که از لحاظ اندازه و وزن دارای حجم پایینی هستند و تعرفه آنها به صورت غیرمنطقی افزایش می‌یابد، زمینه قاچاق آن در کشور فراهم می‌شود که مسئولان مربوطه باید در این زمینه توجه زیادی داشته باشند چرا که قاچاق کالا به داخل کشور باعث تضعیف تولیدات داخل خواهد شد. گستردگی بیش از حد مرزهای کشور نیز از دیگر عواملی است که در افزایش قاچاق نقش بسزایی دارد که باید تمامی مبادی ورودی، تحت نظارت گمرک قرار گیرد و یک عزم ملی برای مبارزه با قاچاق صورت گیرد. در نهایت اینکه فرهنگ‌سازی برای مردم در راستای مبارزه با قاچاق کالا از جمله موضوعاتی است که باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد، چرا که مردم باید بدانند کالاهای قاچاق خلاف مصالح ملی است و عوارض قانونی برای آن پرداخت نشده است.